

فوتبال اردبیل و تیغ جراحی

ورزش اردبیل گذشته‌اش سرشار از موفقیت و افتخار است. برخی‌ها بدجوری به بیان و ذکر سرنوشت ورزش در سال‌های نه‌چندان دور حساسیت دارند. تا می‌خواهی بگویی که در مقطعی از تاریخ نصف اوزان تیم ملی کشتی فرنگی در اختیار جوانان اردبیل بوده‌است مدعی می‌شوند که آن زمان نسبت به امروز تفاوت‌های اساسی داشته‌است و یا زمانی که با سند و برهان از پویایی فوتبال اردبیل سخن می‌گویی، بلافاصله موضع‌گیری می‌کنند و به مقابله برمی‌خیزند و از دست زدن به اقدامات دور از اخلاق ورزشی نیز کوتاهی نمی‌کنند.

مثلاً شرایط چه فرقی داشته‌است که امروز حتی یک نفر به اردوی آمادگی کشتی دعوت نمی‌شود؟ آن موقع سالتو و بار را طور دیگری می‌زدند و یا کار کردن دست‌ها در سرپا ممنوع بوده‌است و یا به‌جای نشستن در خاک، هوایی می‌شدند؟ و یا اندازه زمین فوتبال در دهه شصت کوچک و شبیه زمین چمن معروف دروازه خلخال بوده‌است و یا در آن وقت‌ها اندازه دروازه کوچک‌تر و تیم‌ها از دو دروازه‌بان استفاده می‌کردند و آیا در آن مقطع توپ‌های، بادکنکی بودند و حمل آسانی داشتند؟ چرا نمی‌توانیم واقعیت‌ها را بپذیریم و به چه دلیل شهامت، جسارت و قدرت اعتراض به بعضی از ضعف‌ها و بی‌برنامگی‌ها را نداریم. چرا در دام نفس و مقام‌پرستی گرفتار شده‌ایم و هر روز با پناه بردن به دامن آمارهای ساختگی و آمار و ارقام گول‌زننده رکورد می‌شکنیم؟

همه گذشته ورزش اردبیل می‌توانند شهادت بدهند که از استعدادها و توانایی‌های جوانان این منطقه چیزی کاسته نشده‌است و باید فرق‌ها و تفاوت‌ها را در سبک مدیریت‌ها و نگاه به ورزش جستجو کرد.

این شهر هم چنان قادر است که ده‌ها چون احد پازاج‌ها، اشکانی‌ها و صمدی‌ها و جدی‌ها و خوشطینت‌ها و... تحویل ورزش کشور بدهد و یا صدها مقصود بایرامی‌ها و ناصر عروجی‌ها و جعفرظاهری‌ها و نادر کهنمی‌ها و داوود آقا جسینی فرد‌ها و... به فوتبال اردبیل تقدیم نماید. کار از یک‌جای دیگر لنگ است و این لنگی را باید به دست تیغ جراحان سپرد و جراحی کرد وگرنه در این فوتبال هیچ‌چیزی تغییر نخواهد کرد.

فوتبال برای این‌که در جایگاه اصلی‌اش قرار بگیرد قبل از جابجایی افراد و نشستن حسن به‌جای حسین و تعویض مهره‌ها و جایگزینی‌های

بی‌حساب و کتاب ضرورت دارد که افکار حاکم بر آن تغییر کند. تا زمانی که تغییر و تحول در فوتبال را به رفتن عمرو جلوس زید تعبیر بکنیم، وضعیت حاکم بر آن هیچ تغییری نخواهد کرد.

اینجاست که بارها گفته‌ایم فوتبال به‌جای تغییر نفرات و آدم‌ها نیاز به تغییر و ایجاد تحول در افکار حاکم بر آن دارد. تا وقتی که منطق در فوتبال حاکم نشود، قوانین و مقررات مو به مو اجرا نگردد، همه مرتبطین به آن به یک اندازه مورد توجه قرار نگیرند، فرصت‌طلبی و بزرگ‌نمایی جای خود را به صداقت و بیان واقعیت‌ها ندهد، و تا وقتی که هیئت فوتبال امید و تکیه‌گاه همه فوتبالی‌ها نباشد، امیدواری برای رسیدن به نقطه اوج و برطرف شدن مشکلات و آغاز حرکتی نو و برنامه‌ریزی در همه ابعاد، امکان‌پذیر نمی‌شود. همه باید برای تغییر افکار حاکم بر فوتبال تلاش بکنند و در این راه گام بردارند.